یادداشت روز

معنی لزوم تحول و تولد جدید بسیج چیست؟

امام راحل عظیم‌الشأن قدس‌سره‌الشریف که مؤسس بسیج بود، آن را شجره طیبه و مدرسه عشق نامید و دعایش این بود که با بسیجیانش محشور گردد. امام شهید، خامنه‌ای کبیر اعلی‌الله‌مقامه بسیج را دایره‌ای از نور برای تحقق جامعه معنوی مستحکم می‌دید و این عبارات هم وصف بسیج و هم انتظار دو امام از بسیج بود. انصافاً هم بسیج چه با صفت سازمان و چه با صفت توده‌های نامبردار به آن، هم شایسته این اوصاف بودند و هم دل در گرو تحقق این افق‌های نورانی داشتند. فراز اول پیام روز پنجشنبه رهبر معظم انقلاب اسلامی دامت‌برکاته هم شرحی عالمانه از این حقایق نورانی بود. ایشان در این فراز، معنویت و پویایی جهادی جامعه امروز ایران را تا حد بسیار زیادی مرهون انتقال عطر جبهه‌ها توسط بسیجیان در دوران پرافتخار دفاع‌مقدس و پس از آن به شهرها و روستاها دانسته و از آن با عبارات بسیار فاخر تجلیل کرده‌اند.

در پیام رهبر عزیز به مناسبت هفته بسیج مستضعفین به یک تحول بزرگ انقلابی در جامعه ایرانی پس از جنگ اخیر اشاره کرده و آن را فصل جدیدی از حیات انقلاب اسلامی و ملت ایران می‌دانند که باید همه عرصه‌های حیاتی کشور را سیراب نماید و به پیشرانی برای تحقق محوری‌ترین مأموریت انقلاب اسلامی و نظام برآمده از آن که «حق» و «عدالت» است، تبدیل شود. یکی از این عرصه‌های حیاتی، بسیج است که چه به وصف یک سازمان و چه به وصف یک جنبش بزرگ باید برای تسریع در تحقق دو هدف یادشده در فضای تحول و تعالی قرار گیرد.

بسیج پرونده‌ای درخشان و افتخارآمیز دارد و برای ملت‌های جهان هم الهام‌بخش بوده است و بسیاری از خیزش‌های مردمی جهان هم به تأسی از بسیج پدید آمده‌اند و خود این روند، محیط داخلی و خارجی بسیج را دستخوش تحول عظیم کرده است؛ شکست نظامی آمریکا از جمهوری اسلامی و شکست نظام سلطه از جبهه مقاومت واقعه‌ای خارج از تصور بود که تحقق یافته است. وقتی محیط متحول می‌شود، از یک‌سو طراحی توطئه علیه جبهه حق که پایانی بر آن متصور نیست، وضع جدیدی پیدا می‌کند و از سوی دیگر انتظارات از جمهوری اسلامی و جبهه مقاومت که این بساط را با قدرت به‌هم زده است، بسیار بالا می‌برد. همین الان می‌بینید که اکثریت جامعه ایران و جوامع دیگر برای زدن ضربات نهائی به جبهه استکبار بی‌تابی می‌کنند. خب این یعنی محیط تغییر اساسی کرده و سازوکارهای پیشین حتی آنها که موفق عمل کرده‌اند، به تحولات اساسی برای مواجه‌شدن موفق با شرایط پیش‌رو نیاز جدی و فوری دارند.

امام سید مجتبی خامنه‌ای دامت‌افاضاته ضمن آنکه بسیجی‌ها را با عبارات بلندی از قبیل «شخصیت‌های حقیقی داستان‌های واقعی افسانه‌گون» ستوده‌اند، فرموده‌اند «سازمان بسیج نیز باید تحول و تولدی جدید را تجربه نماید» و «این سازمان باید با استفاده از ملت بعثت‌یافته، نسخه‌های پیشرفته‌تر و جدیدتری از بسیج پیشین را تنظیم و مدیریت کند» و «از این پس باید با گام‌های بلند، محکم و حساب‌شده به سوی تحقق شعار هر ایرانی یک بسیجی راه پیمود» و «با توجه به رشد چشمگیر بسیج در دوره بعثت مردم ایران، ظرفیت‌های بالفعل، قدرت عظیمی را تشکیل می‌دهد که باید از جزءجزء آن در مسیر حل مشکلات کشور و دستیابی به فرصت‌های جدید و بدیع بهره برد».

از این منظر، سازمان و سازوکارها و دستورکارهای بسیج نیازمند بازخوانی دارد ولی مسلماً این بازخوانی نباید به مباحثی مثل اینکه بسیج سازمان باشد یا نیرو کشیده شود، آنچه نیازمند بازخوانی فوری است، انطباق بسیج، این بزرگ‌ترین نهاد اجتماعی کشور با مهم‌ترین دستورکارهایی است که کشور به آن احتیاج دارد و رهبر عزیز در همین پیام به آن اشاره فرموده است؛ مبدأ ترقیات و پیشرفت‌های چشمگیر آینده. رهبری لازمه این کار را اولاً باز شدن چتر پوشش بسیج و تحقق شعار هر ایرانی یک بسیجی می‌دانند و ثانیاً تحقق دو آموزه قرآنی «رحماء بینهم» و «اشداء علی الکفار» برمی‌شمرند.

از نظر رهبری تحقق این اهداف که در نهایت باید به گسترش حق و عدل اولاً در سطح جامعه ایران و ثانیاً در سطح جهانی منجر شود، به برجسته‌شدن بروز و ظهور خصوصیاتی در رفتار عامه بسیجیان منوط دانسته‌اند؛ این خصوصیات شامل در پیش گرفتن حسن خلق، عطوفت و مهربانی، احترام به مردم، رعایت جهات مختلف تقوای فردی و جمعی و مراعات آنچه در دوران‌های سابق بسیاری از بسیجیان با آن شناخته می‌شدند از قبیل تواضع و فروتنی، ایثار، عدم تمایل به دیده‌شدن و دوری از تجملات و تشریفات می‌باشد. این دو دسته صفات برای تحقق هر ایرانی یک بسیجی و در نهایت برای آنکه بسیج نمونه‌ای متعالی از همیاری و نصابی عالی از تحقق مفهوم امت و ملت را در تاریخ این کشور ثبت نماید، به‌طوری که مبدأ ترقیات و پیشرفت‌های چشمگیر آینده به‌شمار آید، لازم است.

بر اساس آنچه از متن پیام رهبر معظم انقلاب اسلامی بیان شد، توجه به چند نکته لازم است؛

۱- بسیج به‌عنوان گسترده‌ترین نهاد اجتماعی مردمی باید آنچنان هاضمه‌ای داشته باشد که بتواند همه اقشار مردم که در عین دلبستگی عمومی به ایران، انقلاب اسلامی و اسلام دارای مراتب متعدد معرفتی هستند را دربر بگیرد. بسیج پیشین گرچه در این راه تلاش کرده اما به دلایلی قدرت جذب این گستره بزرگ را نداشته است. مثلاً وقتی عدد «جانفدایان» از ۳۲ میلیون نفر فراتر رفته و عدد بسیجی‌هایی که به‌طور سازمانی به این نام خوانده می‌شوند به حدود نیمی از آن محدود هستند یا وقتی عدد مشارکت‌کنندگان در انتخابات از عدد بسیجی‌های سازمانی بیشتر است و عدد مبعوثین شرکت‌کننده در تجمعات شبانه از عدد رسمی بسیج بیشتر می‌باشد، به این معناست که چتر بسیج همه واجدان عنوان مبارک بسیج را در خود جای نداده است. این فاصله نیاز به بررسی دارد و پر کردن آن راهکار می‌خواهد.

۲- بسیج به ما هو بسیج از حیث کنش سیاسی باید بازتاب‌دهنده ذائقه جمعی مردم باشد. این ذائقه، حساسیت ورزیدن نسبت به ایران، اسلام و نظام اسلامی است، به‌گونه‌ای که با زیست‌های تا حدی متفاوت علاقه‌مندان به این سه اصل اساسی سازگاری داشته باشد. ملی‌گرایی ایرانی به معنای حساسیت نسبت به حفظ تمامیت ارضی، استقلال و پیشرفت ایران و نفی هر نوع نگاه و اقدام تحقیرگونه یا تجاوزکارانه دشمن از یک‌سو و توجه به بنیان‌های فرهنگی که اسلام و تشیع از برجسته‌ترین اجزای این بنیان‌ها می‌باشند و نظام اسلامی که بزرگ‌ترین دژ مردم برای حفظ ایران و اسلام می‌باشد وجوه مشترک ایرانیان است که به‌خصوص در حوادث سخت بروز و ظهور برجسته پیدا می‌کند. بسیجی باید به این مسئله که بقیه مسائل که البته هر کدام رنگی ضعیف یا غلیظ از این سه دارند و طیف‌های جامعه به یکسان درباره آنها نمی‌اندیشند، توجه داشته باشد. البته خورده موضوعات فرهنگی هم نباید رها شوند باید برای آنها هم فکر شود اما مجرای تأمل درباره آنها بسیج نیست.

۳- از نتیجه آنچه در بحث قبل آمد، موضوع اهمیت انسجام اجتماعی مطرح می‌شود. وقتی بسیج چنان گستره‌ای پیدا کند که هر ایرانی یک بسیجی باشد، بار انسجام اجتماعی روی دوش بسیج قرار می‌گیرد و بسیج برای آنکه تحقق آن را حداکثری کرده و از آن پاسداری نماید باید در خویش ظرفیت لازم را ایجاد کند. در این بین در پیام رهبر عزیز آمده است «پاسداشت انسجام اجتماعی و اتحاد مقدس ملت ایران- که در این ایام ارزش والای آن و تأثیر شگرف آن در امتداد پیروزی‌های رزمندگان شجاع و فداکار اسلام در عرصه نظامی بر دستگاه محاسباتی دشمن در هر دو سوی آوردگاه حق و باطل امری مشهود است- باید از صفات مشترک همه بسیجیان باشد.» حفظ این اتحاد مقدس چگونه پاس داشته می‌شود، زمانی که دلیل و فلسفه وجودی شکل‌داده به اتحاد مقدس در نظر گرفته شود. این انسجام اجتماعی و اتحاد مقدس پس از آن شکل گرفت که مردم با تمام وجود، حس کردند دشمنان درصدد بلعیدن کشورشان هستند و تمام سرمایه‌های معنوی و مادی آنان از قبیل رهبری، قوای نظامی، زیرساخت‌ها، تمامیت ارضی، استقلال، اسلام و نظام سیاسی آنان را نشانه گرفته‌اند. همان‌گونه که بعثت مردمی منتهی به پیروزی انقلاب اسلامی نیز به همین دلایل شکل گرفت.

این حفظ انسجام اجتماعی و ممانعت از بازگشت کشور به شرایطی که تروریست‌ها هوس خلق حوادث امنیتی دی‌ماه سال قبل کنند و دشمنان خارجی هوس راه‌اندازی جنگ علیه این ملت و تحقق اهداف خبیثانه‌ای که برشمرده شد، نمایند، نیازمند تلاش و توجه ویژه است. دسیسه‌هایی که به نام‌های متفاوت و شاید با انگیزه‌های مختلف - دشمنانه یا احمقانه- انسجام اجتماعی ایران را نشانه رفته‌اند، باید با تلاش مبتکرانه بسیج خنثی گردند.

سعدالله زارعی

روایت یک تحلیلگر آمریکایی از شکست راهبرد واشنگتن در غرب آسیا

آمریکا گرفتار معمای هرمز

تله فرسایشی آگیلار یادآوری می‌کند که گاهی، بزرگ‌ترین خطر برای یک ابرقدرت، نه حمله دشمن، بلکه گرفتار شدن در منطق هزینه- فایده‌ای است که در آن، هر روز حضور، به معنای فرسایش بیشتر قدرت و اعتبار است.

این روزها در فضای تحلیلی کشور، این بحث مطرح است که ایران برای خروج از وضعیت تعلیقی «نه جنگ، نه صلح»، ناگزیر به طراحی یک اقدام عملیاتی عاجل است. پیش‌فرض این تحلیل آن است که شرایطی که دشمن پس از ناکامی در تهاجم همه‌جانبه، با تکیه بر محاصره اقتصادی و امید به شکل‌گیری آشوب داخلی دنبال می‌کند، حتی در میان‌مدت نیز برای ایران قابل‌تحمل نخواهد بود و دیر یا زود باید منتظر اقداماتی برای تغییر این وضعیت بود.

اما در کنار این تحلیل، یک کارشناس آمریکایی از زاویه‌ای متفاوت به موضوع پرداخته است: وضعیت «نه جنگ، نه صلح» فقط برای ایران هزینه‌ساز نیست، بلکه خود آمریکا را نیز با فشارهای سنگین و فرساینده مواجه کرده است.

آنتونی آگیلار، عضو پیشین نیروهای ویژه ارتش آمریکا و تحلیلگر امور نظامی، در یک پادکست شناخته‌شده آمریکایی از گرفتار شدن نیروهای این کشور در منطقه در یک «تله فرساینده» سخن گفته است. از نگاه او، برخلاف روایت رایج غرب که حضور گسترده نیروهای آمریکایی را نشانه بازدارندگی و آمادگی برای حمله می‌داند، واشنگتن در وضعیتی قرار گرفته که حفظ آن، روزبه‌روز هزینه بیشتری به این کشور تحمیل می‌کند؛ بدون آنکه دستاورد راهبردی مشخصی داشته باشد.

معمای «نه جنگ، نه صلح»: تعریف یک تله

وضعیت «نه جنگ، نه صلح» به معنای توقف خصومت‌ها یا دستیابی به توافقی پایدار نیست. در این شرایط، اگرچه جنگ تمام‌عیار رخ نمی‌دهد، ابزارهای فشار نظامی و اقتصادی همچنان فعال‌اند. محاصره دریایی و تحریم‌ها ادامه دارد و تهدید حملات هوائی و موشکی نیز سایه خود را بر منطقه حفظ می‌کند. در مقابل، ایران با اتکا به ظرفیت‌های نامتقارن خود در تنگه هرمز، هزینه استمرار این وضعیت را برای آمریکا افزایش می‌دهد.

تحلیلگران نزدیک به تهران، این راهبرد را تبدیل فشار به یک بازی دو سر باخت برای واشنگتن توصیف می‌کنند؛ وضعیتی که در آن آمریکا برای حفظ بازدارندگی خود ناچار است نیروهای گسترده‌ای را در منطقه مستقر نگه دارد، اما امکان استفاده مؤثر از این ظرفیت برای دستیابی به پیروزی قطعی را ندارد.

از دید آگیلار، آمریکا نه می‌تواند به‌آسانی منطقه را ترک کند و نه قادر است بدون پرداخت هزینه‌های سنگین، حضور طولانی‌مدت خود را ادامه دهد. عقب‌نشینی بدون توافق نیز می‌تواند به معنای تضعیف موقعیت واشنگتن تلقی شود. بنابراین، آمریکا در چرخه‌ای از هزینه، استهلاک و کاهش ابتکار عمل گرفتار شده است.

هزینه‌های سرسام‌آور: فرسایش مالی یک امپراتوری

نخستین بُعد این تله، هزینه‌های مالی است. نگهداری پنج گروه رزمی ناو هواپیمابر در منطقه، به همراه ناوشکن‌ها، رزمناوها و شناورهای پشتیبانی، هزینه قابل‌توجهی به ارتش آمریکا تحمیل می‌کند. برآوردهای مطرح‌شده، هزینه روزانه یک گروه ضربت ناو هواپیمابر را بین ۶.۵ تا ۸ میلیون دلار ارزیابی می‌کنند.

برای نمونه، هزینه عملیاتی ناو «آبراهام لینکلن» در مأموریت ۲۶۹روزه، حدود ۱.۵ میلیارد دلار برآورد شده است؛ رقمی که در شرایط بحرانی می‌تواند افزایش یابد.

در مقیاس گسترده‌تر، برخی منابع خبری هزینه ماهانه حفظ ساختار نظامی آمریکا در منطقه، شامل حدود ۵۰ هزار نیرو و ۲۰ شناور، را بین ۲۰ تا ۳۰ میلیارد دلار اعلام کرده‌اند. این مخارج در شرایطی پرداخت می‌شود که اقتصاد آمریکا با تورم و کسری بودجه مواجه است و هزینه‌کرد منابع در غرب آسیا می‌تواند از ظرفیت سرمایه‌گذاری نظامی واشنگتن در اقیانوس آرام و رقابت با چین بکاهد.

آگیلار تأکید می‌کند که ناوهای هواپیمابر اساساً برای عملیات ضربتی و مأموریت‌های کوتاه‌مدت طراحی شده‌اند، نه حضور طولانی و فرسایشی در محیطی پرتنش. تمدید مأموریت این ناوها برای ماه‌ها و حتی یک سال، فشار قابل‌توجهی بر ساختار عملیاتی و پشتیبانی نیروی دریایی آمریکا وارد می‌کند.

فرسایش تجهیزات و نیرو: وقتی «حضور» به «استهلاک» تبدیل می‌شود

دومین بُعد تله فرسایشی، استهلاک تجهیزات و نیروهای انسانی است. گزارش‌های منتشرشده درباره ناوهای هواپیمابر آمریکا از مشکلاتی در زمینه شرایط زندگی، نگهداری تجهیزات و سلامت روانی کارکنان حکایت دارند. ناو «آبراهام لینکلن» پس از بیش از ۲۶۰ روز حضور مستمر در دریا، با مشکلاتی از جمله کمبود غذا، شرایط غیربهداشتی، گسترش کپک و اختلال در سیستم تهویه مواجه شده است.

در همین زمینه، شماری از سناتورهای آمریکایی خواستار پاسخگویی وزارت دفاع درباره ضعف خدمات پشتیبانی و وضعیت سلامت روانی نظامیان شده‌اند. ناو «جرالد آر. فورد» نیز پس از مأموریتی ۳۲۶روزه، با مشکلات فنی از جمله خرابی سیستم فاضلاب و آتش‌سوزی در بخش رختشوی‌خانه، برای تعمیرات اساسی به کارخانه بازگشته است.

این وضعیت همان پدیده‌ای است که کارشناسان از آن با عنوان «اثر تخلیه» یا Hollowing Out یاد می‌کنند؛ یعنی انتقال ظرفیت‌های نظامی از یک منطقه به منطقه دیگر، به بهای کاهش آمادگی عملیاتی در منطقه نخست. مارک مونتگومری، از مدیران بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها، معتقد است انتقال ناوهای «لینکلن» و «واشنگتن» از اقیانوس آرام به غرب آسیا می‌تواند نیروی دریایی آمریکا را برای بیش از ۱۸ ماه از دو گروه ضربت ناو هواپیمابر در منطقه هند و اقیانوس آرام محروم کند. به اعتقاد او، این مسئله پیام بازدارندگی ضعیفی به چین می‌فرستد و در سال‌های آینده هزینه سنگینی برای بازسازی آمادگی نظامی آمریکا به همراه خواهد داشت.

گای اسنادگراس، از دستیاران پیشین وزیر دفاع آمریکا، نیز انتقال ناوها به خاورمیانه و کاهش ذخایر مهمات را نشانه‌ای از محدودیت ظرفیت نظامی واشنگتن می‌داند؛ موضوعی که رقبایی مانند چین، روسیه و کره شمالی نیز آن را زیر نظر دارند.

فرسایش ابتکار عمل: از بازدارندگی تا واکنش‌پذیری

سومین و شاید مهم‌ترین بُعد این تله، کاهش ابتکار عمل راهبردی آمریکاست. آگیلار معتقد است واشنگتن دیگر بازیگری نیست که صرفاً با تجمیع نیرو، تهدید را به ایران تحمیل کند؛ بلکه خود به بازیگری واکنش‌پذیر تبدیل شده که برای حفظ شرایط موجود، ناچار است به‌طور مستمر هزینه کند.

در ماه‌های اخیر، برخی تحلیلگران نظامی این پرسش را مطرح کرده‌اند که آیا ایران برای جلوگیری از تکمیل آرایش نظامی آمریکا نباید پیش‌دستی کند؟ اما از منظر تحلیل آگیلار، طرح چنین پرسشی خود نشان‌دهنده تغییر معادله است؛ چراکه حضور گسترده نیروهای آمریکایی، به‌جای آنکه صرفاً ابزار اعمال فشار باشد، به مسئولیتی سنگین و پرهزینه تبدیل شده است.

در چنین شرایطی، فرسایش تجهیزات، خستگی نیروها و کاهش ذخایر مهمات، از جمله موشک‌های تاماهاوک و رهگیرهای پاتریوت و تاد، می‌تواند توان آمریکا برای مدیریت بحران‌های دیگر، به‌ویژه در شرق آسیا، را کاهش دهد. بنابراین، مسئله صرفاً هزینه مالی حضور در منطقه نیست، بلکه محدود شدن توان راهبردی آمریکا در سایر جبهه‌ها نیز اهمیت دارد.

بازتعریف «فاصله امن»؛ وقتی ناوهای هواپیمابر نیز در تیررس قرار می‌گیرند

تحلیل آگیلار درباره فرسایش ناوهای آمریکایی، یک پیش‌فرض مهم دارد: واشنگتن می‌تواند ناوهای خود را در فاصله‌ای امن از سواحل ایران مستقر کند و از همان موقعیت به عملیات نظامی ادامه دهد. با این حال، تحولات موشکی سال‌های اخیر این تصور را با چالش مواجه کرده است. بر اساس ادعاهای مطرح‌شده در متن، ایران قابلیت استفاده از موشک‌های بالستیک ضدکشتی علیه اهداف متحرک را توسعه داده است.

سردار علی بلالی، مشاور عالی فرمانده نیروی هوافضای سپاه، در اظهاراتی در اکتبر ۲۰۲۶ به موشک «خلیج‌فارس» اشاره کرده و برد آن را ۴۰۰ تا ۵۰۰ کیلومتر اعلام کرده است. به گفته او، این موشک با هدف دور کردن ناوهای آمریکایی از خلیج‌فارس طراحی شده و قابلیت هدف‌گیری شناورهای متحرک را دارد.

در کنار آن، گزارش‌هایی درباره موشک «قاسم بصیر» با برد ادعایی ۱۲۰۰ کیلومتر، سوخت جامد و سامانه هدایت الکترواپتیکی منتشر شده است. این قابلیت‌ها، در صورت تأیید، می‌توانند دامنه محاسبات امنیتی ناوهای آمریکایی را فراتر از خلیج‌فارس و تا مناطقی مانند دریای عرب گسترش دهند.

همچنین سرلشکر محسن رضایی در سپتامبر ۲۰۲۶ از آزمایش یک موشک ضدکشتی در نزدیکی شناور نیروی دریایی آمریکا خبر داد. هرچند سنتکام اصابت مستقیم را تأیید نکرد، گزارش‌هایی درباره تغییر موقعیت ناوهای آمریکایی پس از رویداد پنجم سپتامبر منتشر شد. برخی منابع این جابه‌جایی را عقب‌نشینی به مناطق دورتر از سواحل ایران توصیف کردند.

فارغ از صحت جزئیات و ارقام منتشرشده، اهمیت راهبردی این تحولات در آن است که افزایش فاصله ناوها از سواحل ایران می‌تواند هزینه‌های پشتیبانی و عملیاتی آمریکا را بیشتر کند. پروازهای طولانی‌تر جنگنده‌ها، نیاز به سوخت‌رسانی هوائی بیشتر و افزایش فشار بر چرخه تعمیر و نگهداری، همگی به معنای استهلاک بیشتر تجهیزات و نیروها هستند.

جمع‌بندی: تله‌ای که خودساخته شده است

آنتونی آگیلار در تحلیل خود بر نکته‌ای تأکید می‌کند که می‌تواند مهم‌ترین درس این وضعیت باشد: آمریکا در تنگه هرمز مشکلی ایجاد کرده که اساساً وجود نداشت. به بیان دیگر، تله فرسایشی کنونی تا حد زیادی نتیجه راهبرد واشنگتن در ایجاد حضور نظامی گسترده و طولانی‌مدت در منطقه‌ای است که برتری فناورانه و قدرت آتش، به‌تنهائی تضمین‌کننده پیروزی سیاسی نیست.

پنج ناو هواپیمابر، هزاران نیروی نظامی و میلیاردها دلار هزینه، نه‌تنها نتوانسته‌اند امنیت و برتری راهبردی مورد انتظار آمریکا را تضمین کنند، بلکه به عاملی برای استهلاک تجهیزات، فشار بر منابع مالی و کاهش ظرفیت حضور در مناطق دیگر تبدیل شده‌اند.

اکنون واشنگتن با دوراهی دشوار تشدید تنش یا عقب‌نشینی مواجه است. تشدید تنش می‌تواند هزینه‌های بیشتری به همراه داشته باشد و عقب‌نشینی نیز ممکن است از منظر سیاسی و راهبردی به تضعیف اعتبار آمریکا تعبیر شود. به گزارش مشرق، در نهایت، تحلیل آگیلار یادآور این واقعیت است که گاهی بزرگ‌ترین خطر برای یک قدرت جهانی، گرفتار شدن در راهبردی است که هزینه‌های استمرار آن به‌تدریج از منافعش فراتر می‌رود. تا زمانی که این معادله تغییر نکند، وضعیت «نه جنگ، نه صلح» نه‌فقط برای ایران، بلکه برای نیروهای آمریکایی نیز به شرایطی فرساینده و پرهزینه تبدیل خواهد شد.

عراقچی: صهیونیست‌ها با فضاسازی به دنبال بازگرداندن آمریکایی‌ها به جنگ هستند

وزیر امور خارجه گفت: فضاسازی و سناریوسازی‌های صهیونیست‌ها درخصوص بمب شیمیایی و میکروبی به این خاطر است که بتوانند یک‌بار دیگر آمریکا را وارد جنگ کنند.

سید عباس عراقچی، وزیر امور خارجه روز پنجشنبه (۵ آذرماه) در حاشیه نشست رئیس‌جمهور با دست‌اندرکاران و فعالان حوزه زیارت خراسان رضوی در گفت‌وگو با خبرنگاران افزود: همچنین اتهامات رژیم صهیونیستی درباره فعالیت شرکت‌های داروسازی ایران بخشی از فضاسازی برای ایجاد فضای جنگی و تحریم آمریکا به ورود دوباره به جنگ علیه ایران است.

وی بیان کرد: جمهوری اسلامی ایران برای دفاع از خود آمادگی کامل دارد و در عین حال مسیر دیپلماسی را نیز باز می‌داند.

وزیر امور خارجه ادامه داد: رژیم صهیونیستی برای ایجاد فضای جنگی و نسبت دادن اتهامات به ایران، به دروغ متوسل می‌شود، کاملا روشن شده که هر روز یک حرف عجیب و غریب و یک ادعای بزرگ مطرح می‌کند؛ ادعاهایی که شاید فقط افراد ساده‌لوح باور می‌کنند.

عراقچی گفت: صهیونیست‌ها یک روز ادعا می‌کنند ایران صدها موشک را پنهان کرده، روز دیگر می‌گویند در کارخانه‌های داروسازی سلاح شیمیایی تولید می‌شود و روزی دیگر ادعا می‌کنند ایران قصد دارد با بمب‌های شیمیایی و میکروبی به واشنگتن حمله کند یا دست به ترور فلانی بزند.

به گفته وی، نتایج انتخابات اخیر به‌خوبی نشان داد افکار عمومی آمریکا تا چه اندازه متوجه و هوشیار شده که منافع رژیم صهیونیستی در حال اولویت‌یافتن بر منافع آمریکاست؛ این حرفی نیست که من بزنم، بلکه در خود آمریکا نیز مطرح شده و حتی رئیس‌جمهور و معاون رئیس‌جمهور آمریکا به این موضوع اشاره کرده‌اند.

وی با تاکید بر ضرورت تجدید نظر آمریکا در سیاست‌های منطقه‌ای خود خاطرنشان کرد: آمریکا باید در این زمینه تجدیدنظر کند که همواره هزینه‌های رژیم صهیونیستی را در منطقه پرداخت می‌کند و هوشیار باشد؛ اگر بخواهد یک بار دیگر ایران را آزمایش کند، خودش می‌داند که نتیجه بهتر از گذشته نخواهد بود.

وزیر امور خارجه خاطرنشان کرد: ما تفاوتی میان رژیم صهیونیستی و سیاست‌های آمریکا در مجموع قائل نیستیم، اما برای هر حالتی آمادگی داریم، برای دفاع از خود کاملا آماده‌ایم و به خوبی می‌دانیم چگونه از خود دفاع کنیم.

عراقچی فضاسازی‌های اخیر رژیم صهیونیستی را فاقد اعتبار و اثرگذاری در افکار عمومی جهان دانست و خاطرنشان کرد: تصور می‌کنم فضاسازی‌هایی که صهیونیست‌ها انجام می‌دهند، بیش از این نمی‌تواند کسی را در دنیا فریب دهد.

به گفته وی، هر اتهامی که به ما می‌زنند، در حقیقت اعترافی است که درباره خودشان انجام می‌دهند چراکه همه پلیدی‌های خود را می‌خواهند به دیگران نسبت دهند و این در واقع روشن می‌کند که این رژیم از چه سیاست‌های پلیدی برخوردار است.

خبر ویژه

«خوشه‌چینی» یا خنجر از پشت؟!

شگفت‌انگیزترین نمونه گریز از منطق، هفته گذشته در قالب یک گفت‌وگو منتشر شد؛ آنجا که دبیرکل حزب اشرافی کارگزاران در پاسخ به خبرنگار روزنامه زنجیره‌ای گفت: «باید میانجی صلح عربستان و حوثی‌ها شویم و به پیمان مکه بپیوندیم».

حسین مرعشی، دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی در گفت‌وگو با روزنامه «شرق» به تحلیل وضعیت «نه صلح، نه جنگ» پرداخت و تاکید کرد: «اکنون زمان خوشه‌چینی و بهره‌برداری ایران است».

مرعشی در تشریح «زمان خوشه‌چینی ایران» گفت: «در عربستان، زندگی و فعالیت‌های عادی با اختلال جدی مواجه شده است... ممکن است عربستان تحت فشار تحولات یمن، به سمت پیوستن به پیمان ابراهیم حرکت کند اما ایران در موقعیت کنونی می‌تواند برگ بسیار مهمی را بازی کند. به نظر من، ایران قادر است میان عربستان و حوثی‌ها زمینه برقراری آتش‌بس و دستیابی به صلحی را فراهم کند». وی ادامه داد: «گام دومی که ایران می‌تواند بردارد، پیوستن ایران و مصر به پیمان مکه است».

گفت‌وگوی مرعشی با شرق در پوشش یک پیشنهاد دیپلماتیک و ملی، پرده از یک تناقض جدی برمی‌دارد؛ تناقضی که ایران را به جای خوشه‌چینی و بهره‌برداری از فرصت به خنجر زدن از پشت و قربانی کردن مقاومت می‌خواند.

بخشی از قدرت چانه‌زنی و اهرم فشار نظام اسلامی در معادلات منطقه ناشی از تحرک، توانِ مقاومت و ظرفیت اثرگذاری متحدان ایران در خاورمیانه است؛ این مؤلفه‌ها صرفاً ابزارهای جانبی سیاست خارجی نیستند، بلکه بخشی از پشتوانه قدرت ایران در مذاکرات و معادلات سیاسی و امنیتی‌اند.

چطور می‌توان نام این رویکرد را خوشه‌چینی و بهره‌برداری از فرصت گذاشت درحالی که معنای عملی آن تضعیف متحدان، کنار گذاشتن اهرم‌های فشار و تهی کردن دست ایران در میدان نظامی است؟! این بهره‌برداری از فرصت نیست، بلکه خلع سلاح ایران پیش از ورود به عرصه دیپلماسی و میدان چانه‌زنی است.

مرعشی دانسته یا ندانسته پیشنهاد خلع سلاح ایران و واگذاری اهرم فشار را می‌دهد و این تناقض آشکار را پشت واژه شیک، معنادار و ژورنالیستی خوشه‌چینی پنهان می‌کند؛ این نه خوشه‌چینی، که واگذاری دستاوردها و سوزاندن برگ برنده ایران به پای اوهام و تحلیل‌های آبکی است.

کاسبی جریان تسلیم با دوگانه دروغین «جنگ-مذاکره»

روزنامه زنجیره‌ای شرق در گزارشی با تیتر «وسوسه حمله محدود» بار دیگر تلاش کرده است افکار عمومی را در تله دوگانه نخ‌نمای جنگ یا مذاکره گرفتار کند؛ ترفندی که جریان مدعی اصلاحات سال‌هاست برای کاسبی سیاسی و القای بن‌بست از آن بهره می‌برد.

این روزنامه با طرح این گزاره که «فاصله میان وقوع جنگ و منتفی شدن آن، فاصله‌ای معنادار است» و با گره زدن امنیت کشور به «ادامه بن‌بست مذاکرات»، می‌کوشد مذاکره را تنها راه نجات جلوه دهد و در عین حال با عبارت «نه می‌توان از تعویق حمله به معنای کنار گذاشته شدن گزینه نظامی سخن گفت و نه می‌توان هر تحرک و تهدیدی را نشانه قطعی آغاز جنگ دانست»، فضای ابهام و ناامنی روانی ایجاد کند.

این رویکرد اما واقعیت تلخ و روشن میدان را نادیده می‌گیرد؛ چرا که تجربه دو بار حمله در میانه مذاکرات و ماجرای سوءتفاهم اسلام‌آباد به‌روشنی نشان داد ضعیف‌نمایی و ارسال پالس‌های مکرر برای مذاکره، نه‌تنها مانع جنگ نمی‌شود و شر آن را کم نمی‌کند، بلکه دشمن آمریکایی را به خطای محاسباتی انداخته و مشوق او برای حمله گسترده‌تر می‌شود.

شرق در ادامه با این ادعا که «فاصله میان یک بحران قابل مدیریت و یک رویارویی نظامی گسترده ممکن است بسیار کمتر از آن چیزی باشد که در محاسبات سیاسی تصور می‌شود»، در پی القای شکنندگی و ترساندن جامعه است تا نسخه سازش را بپیچد.غافل از اینکه معادلات مهاجم را التماس برای گفت‌وگو بر هم نمی‌زند؛ باطل‌السحر جنگ، همین مقاومت و ایستادگی قاطع است نه سازش.

گفت و شنود

گاوهای سفید یا سیاه؟!

گفت: مقامات آمریکایی و اروپایی اصرار دارند که شکست آمریکا در حمله به ایران و ناکام ماندن ترامپ در انتخابات را شکست حزب جمهوری‌خواه از حزب دموکرات قلمداد کنند!

گفتم: ولی بسیاری از صاحبنظران و کارشناسان و اندیشکده‌های مطرح جهان، شکست آمریکا را فراتر از شکست ترامپ و یا شکست حزب او می‌دانند و با استناد به شواهد موجود، آن را شکست هژمونی و دوران ابرقدرتی آمریکا می‌دانند.

گفت: فقط با یک نگاه هرچند گذرا می‌توان دید که حزب جمهوری‌خواه و حزب دموکرات در جنایتکاری و پلیدی و دشمنی با ایران اسلامی با هم هیچ تفاوتی ندارند و تفاوت نام‌ها برای فریب دیگران است.

گفتم: بازرس اداره دامپروری برای بازرسی به یک گاوداری رفته بود. به صاحب گاوداری گفت این گاوها را چگونه تغذیه می‌کنی؟ پرسید گاوهای سیاه را می‌فرمائید یا گاوهای سفید را؟ گفت؛ گاوهای سفید و یارو جواب داد به آنها یونجه می‌دهم. پرسید گاوهای سیاه چی؟ گفت به آنها هم یونجه می‌دهم! پرسید؛ پس چه فرقی دارند؟ گفت؛ گاوهای سفید مال خودم هستند! پرسید گاوهای سیاه چی؟ گفت؛ آنها هم مال خودم هستند ولی رنگشان فرق می‌کند که همه سلیقه‌ها را جذب کنند!

نکته

کلوخ‌انداز را پاداش سنگ است!

۱- ابتدا به این دو انگاره نگاهی بیندازید! انگاره یا فرض اول این که، جمهوری اسلامی ایران اعلام می‌کند قصد داریم کشتی‌های خود را از محاصره دریایی عبور بدهیم. در این حالت آمریکا هم اعلام خواهد کرد که ما هم به کشتی‌های شما حمله می‌کنیم! این نامعادله، روال کنونی جنگ است. حالا گزاره دوم را پیش می‌کشیم و اعلام می‌کنیم که قصد داریم کشتی‌هایمان را از محاصره دریایی عبور بدهیم و اگر حتی یک گلوله هم به سوی آنها شلیک شود، تمامی زیرساخت‌های نفت و گاز و پتروشیمی کشورهای عرب همپیمان (بخوانید دست‌نشانده) آمریکا و رژیم صهیونیستی را موشک‌باران کرده و از بین می‌بریم. در این حالت، سیستم تصمیم‌ساز حریف به هم می‌ریزد و مجبور است میان دو سوی ماجرا به محاسبه بنشیند و سود و زیان هر یک از دو احتمال را ارزیابی کرده و با هم مقایسه کند. آیا سود آمریکا از حمله به نفتکش‌های عبوری ایران بیشتر است و یا خسارت سنگینی که ویرانی زیرساخت‌های نفت و گاز کشورهای همپیمان آمریکا به دنبال دارد؟!

۲- در این میان نکته‌ای نیز هست که نباید نادیده گرفته شود و آن، این‌که بستن تنگه هرمز حق قانونی ایران است و در دو کنوانسیون بین‌المللی ژنو و جامائیکا که موضوع هر دو کنوانسیون قوانین مربوط به آبراه‌ها و تنگه‌هاست مورد تاکید قرار گرفته است ولی محاصره دریایی به گفته خود ترامپ «دزدی دریایی» است. ترامپ چندی قبل طی سخنانی در فلوریدا به توقیف نفتکش ایرانی اشاره کرد و گفت: «ما کشتی را تصرف کردیم، محموله را تصرف کردیم، نفت را تصرف کردیم. این یک تجارت بسیار سودآور است. ما مثل دزدان دریایی هستیم. چیزی شبیه دزدان دریایی هستیم»! به بیان دیگر، مقابله ما با محاصره دریایی آمریکا علیه کشورمان نه فقط یک اقدام قانونی و پذیرفته شده در عرف بین‌المللی است بلکه بخش قابل قبولی از جنگ نیز هست. اما، چگونه؟

۳- آکسیوس به نقل از دو منبع آگاه می‌نویسد: «کاخ سفید از پنتاگون و نهادهای اطلاعاتی آمریکا خواسته است ارزیابی و تحلیلی درباره واکنش احتمالی ایران به هر یک از گزینه‌هایی که ارتش آمریکا برای حمله آماده کرده است، ارائه بدهند و تاکید کرده است که آیا گزینه‌ای برای اقدام نظامی وجود دارد که بدون برانگیختن حمله تلافی‌جویانه و ویرانگر ایران علیه تأسیسات نفت و گاز کشورهای حوزه خلیج‌فارس، قابل اجرا باشد»؟! در همان حال روزنامه وال‌استریت ژورنال در گزارشی به نقل از مقامات کاخ سفید می‌نویسد: «آمریکا خود را با کابوس وحشتناکی روبه‌رو می‌بیند و آن، اقدام تلافی‌جویانه ایران در حمله ویرانگر به تاسیسات نفت و گاز کشورهای عرب همپیمان آمریکا در حوزه خلیج‌فارس است». به بیان دیگر، حتی اگر گزارش رسانه‌ها و مقامات آمریکایی درباره وحشت حریف از حمله ایران به زیرساخت‌های نفت و گاز کشورهای منطقه را هم نادیده بگیریم، به آسانی می‌توان حدس زد که این اقدام ایران در صورتی که عملیاتی بشود، آمریکا و متحدانش را با فاجعه دردناک و شکست هولناکی روبه‌رو خواهد کرد. اکنون سؤال این است که مگر محاصره دریایی آمریکا علیه ایران، بخشی از جنگ جنایتکارانه علیه کشورمان نیست؟ اگر هست، که هست. راه مقابله چیست؟!

۴- همه شواهد و نشانه‌های موجود به وضوح حکایت از آن دارند که حمله ویرانگر و تلافی‌جویانه به تاسیسات نفت و گاز کشورهای عرب همپیمان آمریکا در حوزه خلیج‌فارس، پاشنه آشیل آمریکاست و استفاده ایران از این اهرم مؤثر و کارآمد می‌تواند باطل‌السحر محاصره دریایی باشد. بنابراین چرا نباید از این اهرم استفاده کنیم؟! می‌گویند، این اقدام با آموزه‌های «حسن همجواری» ناهمخوان است؟! که باید پرسید؛ مگر مشارکت کشورهای عربی با آمریکا و رژیم صهیونیستی در حمله نظامی به ایران، نشانه حسن همجواری است؟! اجازه ایجاد پایگاه نظامی آمریکا در کشورهای یادشده با کدام تعریف از حسن همجواری قابل توضیح است؟! شرکت اماراتی آدنوک (ADNOC) که باید آن را «نوچه اسرائیل»! نامید، با بیش از ۶۰۰ کشتی مخزن‌دار کوچک (شاتل) محموله‌های نفتی کشورهای عرب خلیج‌فارس را با ۲۰ تا ۲۵ درصد تخفیف خریداری کرده و تلاش می‌کند که آنها را از تنگه عبور داده و در آن سوی تنگه هرمز به نفتکش‌های اقیانوس‌پیما منتقل کند. میزان این محموله‌ها اگرچه چندان زیاد نیست و نیروهای دریایی جان برکف ارتش و سپاه و هوا فضا عرصه را بر شاتل‌ها تنگ می‌کنند ولی به گفته آقای حامد ملحانی، یکی از کارشناسان مطرح کشورمان، انبوه شاتل‌ها به گله خرگوش‌ها شبیه هستند و باید لانه آنها را نابود کرد! و...

۵- این کلام حکیمانه از حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام است که: «رُدّ الحَجَرَ مِن حَیثُ جاءَکَ، فإنّهُ لا یُرَدّ الشّرّ إلاّ بالشّرِّ... سنگ را به همان جایی برگردان که به سوی تو آمده است، زیرا بدی، جز با بدی دفع نمی‌شود». به بیان دیگر «کلوخ‌انداز را پاداش سنگ است». نکته امیدوارکننده این که از قول برادر غیرتمند و عزیزمان، سرلشکر محسن رضایی، دبیر شورای عالی امنیت ملی نقل شده است که «پایان دادن به این وضعیت (حالت نه جنگ و نه صلح) دیگر محدود به مسیر دیپلماسی نیست و توسل به نیروی نظامی نیز در دستور کار است. دیگر نمی‌خواهیم نظاره‌گر محاصره و تهدید باشیم».

حسین شریعتمداری

کیهان و خوانندگان

۳۳۱۱۰۰۶۵
ساعت ۳ تا ۶ بعدازظهر

* با تبریک هفته بسیج به دلاوران بسیجی، نظر آقای شهید را یادآور می‌شویم که فرمود: «بسیج مستضعفین در کشور یک پدیده بی‌نظیر بود که به وجود آمد. این پدیده در هیچ نقطه دیگری در هیچ کشور دیگری در عالم به این شکل سابقه نداشت، پدیده استثنایی محسوب می‌شد. این پدیده یک پدیده گرته‌برداری شده نبود، از فرهنگ ملی خود ما و از تاریخ ما این پدیده جوشید.» امام شهید حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای «رضوان‌الله‌تعالی علیه» ۱۴۰۳/۹/۵

شریفی

* خداوند بر علو مقامات اخروی رهبر کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی(ره) بیفزاید که با پیش‌بینی کینه‌ورزی و تخاصم آمریکای جنایتکار علیه ایران اسلامی در انتقام‌جویی از استقلال و خروج از مدار وابستگی و همچنین الهام‌بخشی به سایر ملت‌های خسته از سلطه آمریکا و اشغالگری رژیم صهیونیستی تحت حمایت واشنگتن، به فاصله اندکی پس از تصرف سفارتخانه آمریکا به دست دانشجویان پیرو خط امام، در پنجم آذرماه ۱۳۵۸ فرمان تشکیل ارتش ۲۰ میلیونی را صادر فرمودند که طی این ۴۷ سال منشأ خیر و برکت فراوانی بوده است.

میراحمدی

* جمهوری اسلامی ایران نشان داد با وجود فشارهای متنوع سیاسی و اجتماعی دشمن، از توان بسیج اجتماعی مؤثری برخوردار است؛ توانی که در روزهای جنگ و پس از آن، حضور میدانی مردم را بازتولید کرد.

حسنی

* درخواست امام شهید از مسئولان و مردم کمتر از دو ماه قبل از شهادتشان این بود که توانایی‌ها را ببینیم و پیشرفت‌های خود را باور کنیم. «اگر ملتی در اثر جنگ نرم دشمن، توانایی‌های خود را نبیند و پیشرفت‌های خود را باور نکند، ابتدا تحقیر و سپس تسلیم دشمنش می‌شود.» ۱۴۰۴/۱۰/۱۳

یسایی

* مردم ایران از چنان سطحی از بینش، بصیرت و غیرت و عزت نفسی برخوردارند که هرگاه کشور با تهدید بیشتر و جدی‌تری مواجه می‌شود، در مراسم مختلف حضور پررنگ‌تری پیدا می‌کنند و نقشه‌های شوم دشمنان را نقش بر آب می‌نمایند.

هداوندیان

* انتظار می‌رود که مجموعه دولتمردان و مسئولان در مواجهه با موضوعاتی که زندگی عموم مردم را تحت تأثیر قرار می‌دهد خیلی دقیق‌تر، مسئولانه‌تر و مؤثرتر اطلاع‌رسانی کنند.

فرجام

* بسیج هم از نظر تنوع و هم از نظر تعدد، با بیشترین و متنوع‌ترین مأموریت‌ها مواجه است. بی‌شک استفاده بهینه از این ظرفیت عظیم، مستلزم توسعه و تقویت مراکز آموزشی و ارائه آموزش‌های به روز و متناسب با مأموریت‌های حال و آینده است.

هدایتی

* رئیس وقت موساد و سیا و برخی دیگر از دشمنان قسم‌خورده ایران در اوج جنگ تحمیلی دوم تصریح کردند که مأمورانشان در ایران حضور دارند و... بنابراین، مسئله نفوذ جدی است و کسانی که این مسئله را توهم توطئه می‌نامند، در بهترین حالت، اگر خود نفوذی نباشند، ساده‌لوحی بیش نیستند. این مسئله در ماجرای جنگ لبنان و ترور رهبران و فرماندهان این کشور نیز اثبات شده است. لذا لازم است عزیزان دستگاه‌های امنیتی و اطلاعاتی در برخورد با این افراد اهتمام بیشتری ورزند.

نوروزی

* در شرایطی که دشمن خیلی واضح اعلام کرده است که، اقتصاد و معیشت مردم را مقدمه جنگ‌افروزی جدید تعریف کرده، چرا برخی سیاست‌های اقتصادی طوری تعریف و اجرا می‌شوند که البته ناخواسته در مسیر خواست دشمن قرار می‌گیرند؟

کریمی

* جک کین، ژنرال بازنشسته ارتش آمریکا، مدعی شد «سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا و اسرائیل در حال مسلح‌کردن ده‌ها هزار ایرانی هستند؛ اظهاراتی که در کنار مواضع پیشین ترامپ و موساد درباره اغتشاشات دی‌ماه، نشان از مداخله خارجی در ناآرامی‌ها دارد!». از نیروهای مسئول تا بسیجیان جان بر کف و مردم مبعوث شده انتظار می‌رود در شناسایی افراد مشکوک، خودروهای باری مشکوک و... با دستگاه‌های اطلاعاتی همکاری جدی نمایند تا این مزدوران اجنبی کوچک‌ترین تحرکی را نتوانند انجام دهند و به سزای جنایت همکاری با دشمن در زمان جنگ برسند.

منفرد

* مسئولان محترم سه قوه! با توجه به پیام حضرت آقا در باره سیاست‌های جمعیتی که فرمودند: «مسئلهٔ افزایش جمعیّت آیندهٔ ایران عزیز با حفظ همهٔ جهات مطلوبهٔ کمّی و کیفی، از اهمّ آن بشمار می‌آید.» لطفاً به برنامه‌ریزی کاربردی و عملیاتی اهتمام ورزند نه شعاری!

دلبری

* علت عدم امکان توافق با آمریکا نه در توانایی یا ناتوانی دولت‌ها و رؤسای جمهور ایران است بلکه در ذات تعامل‌ناپذیر، بدعهد و سلطه‌طلب طرف آمریکایی خبیث ریشه دارد. همان طور که در دولت شهید رئیسی به عنوان رئیس‌جمهور تراز انقلاب اسلامی نیز توافقی با آمریکا پلید برای انتقال اموال ایران انجام شد اما به آن هم پایبند نماند!

جامه‌بزرگی

* این که برخی اخبار به‌صورت مشترک توسط بی‌بی‌سی فارسی و اینترنشنال و صدای آمریکا و رادیوفردا و برخی رسانه‌های مدعی اصلاحات در داخل ایران سانسور می‌شود، اتفاقی و سهوی است؟! چرا دستگاه قضا با این عناصر نامطلوب برخورد نمی‌کند؟

نام‌آور

* سردار شهید حاج قاسم سلیمانی، درخصوص بازی در پازل دشمن از تعبیر بسیار زیبایی استفاده کرده بود. این شهید بزرگوار گفته بود: «کوچه دادن به دشمن بدترین نوع خیانت است. ترویج فهم غلط از دشمن در جامعه و حساسیت جامعه را از بین بردن و جامعه را سرد کردن و در درون آن تفرقه ایجاد کردن خیانت است. این بُعد مهمی است و ابعاد گوناگونی دارد که باید به آن توجه کرد».

شهرابی

* ما اکنون در میانه یک جنگ تمام‌عیار با دشمن هستیم. نباید به دنباله‌های داخلی دشمن امان داد. این جریان بدسابقه در حال شراکت با دشمن برای بلعیدن ایران است؛ به دنباله‌های داخلی دشمن امان ندهید.

غلام‌زاده

* جنگ سخت و نظامی امروز آمریکا و متحدانش علیه کشورمان، آخرین تلاش آنان است که با پاسخ قدرتمند آتش نیروهای مسلح کشورمان روبه‌رو شده و خواهد شد. اما جنگ نرم و شناختی به عهده نخبگان از حوزه و دانشگاه است. به عهده صاحبان قلم و به عهده رسانه‌ها است. جنگ ۱۲ روزه و ۴۰ روزه نشان داد ما در جنگ نظامی پیروزیم، اما در جنگ نرم نیاز به انسجام اجتماعی بیشتر، دمیدن روح امید و سازندگی، تلاش بیشتر و رو کردن دست آمریکا در جنگ رسانه‌ای و شناختی هستیم.

رفیعی‌زاده

* کمیته دوم سازمان ملل متحد با رأی قاطع ۱۵۱ کشور، قطعنامه حاکمیت دائمی ملت فلسطین و ساکنان جولان اشغالی سوریه بر منابع طبیعی‌شان را به تصویب رساند. رأی قاطع ۱۵۱ کشور به این قطعنامه، نشان‌دهنده انزوای فزاینده رژیم صهیونیستی در مجامع بین‌المللی و حمایت گسترده جامعه جهانی از حقوق ملت فلسطین است.

شکوهی

* رفع مشکلات کشور در گام نخست مستلزم کادرسازی و نیز تربیت عمومی نیروهای متخصص، متدین و متعهد تراز انقلاب در همه بخش‌ها و در همه سطوح بوده و هست و لذا این موضوع باید به عنوان راهبردی‌ترین، مهم‌ترین و کلید حل سایر مشکلات، از مسئولان مطالبه شود.

طاهری

* نوشدارو بعد از مرگ سهراب! حالا که قیمت پیاز به قیمت کیلویی ۱۳۵هزارتومان رسیده است دولت به فکر اصلاح قیمت افتاده است! رویه‌ای تکراری در هر سال که هیچ امیدی به اصلاح آن نمی‌رود!

نیک‌نام

* روزگاری نه چندان دور وزارت خارجه ایران شش کارگردان شناخته شده سینمای ایران در عرصه جهانی را به خط کرد تا پوستری با شعار «هیچ توافقی بدتر از عدم توافق نیست» را برایش ترویج و تبلیغ کنند. شعاری که اگر با هر ضریب هوشی‌ای به آن نگاه کنیم، متوجه ساده‌لوحانه بودنش می‌شویم! سخنان وزیر خارجه وقت ایران در حالی بیان شد که نزدیک به یک سال قبل از آن، جان کری وزیر خارجه وقت آمریکا گفته بود: «عدم توافق، بهتر از یک توافق بد است.» موضعی که کاملاً در راستای منافع و سیاست‌های استعماری آنها بود.

قمصری

* چرا نرخ خرید تضمینی گندم که اصلی‌ترین محصول و کالای استراتژیک و مهم و قوت غالب مردم کشورمان است دیر اعلام می‌شود که در این صورت کشاورز سرگردان می‌ماند که چه قیمتی اعلام خواهد شد. اگر به موقع اعلام شود کشاورز با انگیزه بیشتری تلاش و هزینه خواهد کرد که این کار در میزان تولید نیز تاثیر مثبتی دارد.

رستگاری